

Knowledge of political interpretation

Vol 7, No 23, Autumn 2025

ppt 118-144

Received: April 6, 2025

Accepted: July 19, 2025

The Role of Shams al-Din Muhammad Juwayni in Organizing Iran's Financial and Economic System During the Ilkhanate Period

Zikrallah Mohammadi¹

Fatemeh Abdian²

Abstract

The Mongol invasion of Iran in the early seventh century AH dealt a severe blow to the country's economic foundations, leading to the destruction of cities, disruption of the tax system, agricultural chaos, commercial stagnation, and insecurity along trade routes. This situation persisted until the relative stabilization of the Ilkhanate government and the rise of Hulagu Khan, creating a critical context for managing Iran's financial and economic affairs. Despite Shams al-Din Muhammad Juwayni's prominent position within the Ilkhanid bureaucratic structure, most prior studies have focused on his political and administrative activities, leaving his economic role largely unexamined as an independent subject. Consequently, this research seeks to answer the following question: How did Shams al-Din Juwayni contribute to organizing Iran's financial and economic system, and what impact did his actions have on

¹ Associate Professor, Department of History, Alzahra University, Faculty of Literature, Tehran, Iran.

Ze.Mohammadi@alzahra.ac.ir

² M.A. in Islamic Iranian History, Alzahra University, Tehran, Iran.

Fatemehabdian214@gmail.com

consolidating the economic structure of the Ilkhanate period? To address this, the present study employs a descriptive-analytical approach, relying on primary historical sources and contemporary scholarly works, to examine Juwayni's role in reforming the tax system, organizing land and agricultural affairs, improving monetary mechanisms, and supporting commerce. The findings indicate that Juwayni, leveraging his bureaucratic experience and deep understanding of the critical conditions of his era, managed to mitigate some of the fiscal disarray and commercial stagnation, thereby laying the groundwork for strengthening Ilkhanid authority and facilitating the relative revival of Iran's economy.

Keywords: Shams al-Din Muhammad Juwayni, Ilkhanids, Economic Reforms, Fiscal Policy, Commerce

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ | تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

دانش تفسیر سیاسی Knowledge of political interpretation

سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۴۰۴ Vol 7, No 24, Autumn 2025

صفحات ۱۱۸-۱۴۴ ppt 118-144

نقش شمس الدین محمد جوینی در ساماندهی نظام مالی و اقتصادی ایران در دوره ایلخانی

ذکرالله محمدی^۱

فاطمه عبدیان^۲

چکیده

حمله مغول به ایران در اوایل سده هفتم هجری، ضربه‌ای شدید بر بنیان‌های اقتصادی کشور وارد کرد و موجب ویرانی شهرها، اختلال در نظام مالیاتی، نابسامانی کشاورزی، رکود بازرگانی و ناامنی راه‌ها شد. این وضعیت تا پیش از استقرار نسبی حکومت ایلخانی و برآمدن هلاکو، همچنان ادامه داشت و زمینه‌ای بحرانی برای اداره امور مالی و اقتصادی ایران پدید آورد. با وجود جایگاه برجسته شمس‌الدین محمد جوینی در ساختار دیوانی ایلخانان، بیشتر پژوهش‌های پیشین بر جنبه‌های سیاسی و اداری فعالیت او تمرکز داشته‌اند و نقش اقتصادی وی کمتر به صورت مستقل بررسی شده است. از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که شمس‌الدین جوینی چگونه در سامان‌دهی نظام مالی و اقتصادی ایران نقش‌آفرینی کرد و اقدامات او چه تأثیری بر تثبیت ساختار اقتصادی دوره ایلخانی داشت. در این راستا، پژوهش حاضر با رویکرد

^۱دانشیار گروه تاریخ الزهرا (س)، دانشکده ادبیات، تهران، ایران

Ze.Mohammadi@alzahra.ac.ir

^۲کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Fatemehabdian214@gmail.com

توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع دست اول تاریخی و مطالعات معاصر، نقش شمس‌الدین محمد جوینی را در اصلاح نظام مالیاتی، سامان‌دهی امور ارضی و کشاورزی، بهبود سازوکارهای پولی و حمایت از تجارت می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جوینی با بهره‌گیری از تجربه دیوانی و شناخت دقیق از شرایط بحرانی عصر خویش، توانست بخشی از نابسامانی‌های مالیاتی و رکود تجاری را مهار کرده و زمینه را برای تقویت اقتدار ایلخانان و احیای نسبی اقتصاد ایران فراهم آورد.

واژگان کلیدی: شمس‌الدین محمد جوینی، ایلخانان، اصلاحات اقتصادی، سیاست مالیاتی، تجارت

مقدمه

ایران در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) پس از یورش ویرانگر مغولان، دوران پرتلاطمی را پشت سر گذاشت. فروپاشی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و سرمایه‌های اقتصادی پیشین، ویرانی شهرها، اختلال در راه‌های تجاری، نظام آبیاری و کشاورزی و از هم گسیختگی نظام مالیاتی، کشور را در آستانه بحرانی عمیق قرار داده بود. ترس از کشتار و مهاجرت اجباری باعث کمبود نیروی کار و تولید بویژه در بخش کشاورزی شد و در عوض میزان اقطاع‌های نظامی و نفوذ سران نظامی افزایش یافت. در بخش مالیاتی، مغولان برای تامین هزینه‌های نظامی خود، فشار مالیات‌های سنگین را بر مردم تحمیل کردند با وجود تلاش برای ایجاد ثبات، شورش‌های محلی و ناامنی بر جمع‌آوری مالیات و تجارت کاروانها تاثیر منفی می‌گذاشت. رکود اقتصادی و فقر و کاهش تولید، فرصت سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی را دشوار می‌ساخت. در چنین شرایطی، با تأسیس حکومت ایلخانان و تلاش آنان برای تثبیت حاکمیت اداری و بازسازی نظام اقتصادی و تامین منابع مالی بخصوص در جهت فتوحات بعدی، ضرورت وجود دیوان‌سالاران ایرانی کارآمد و آگاه را بیش از پیش آشکار ساخت. دیوان‌سالاران ایرانی با دانش عمیق و تجربه‌ی سالیان متمادی خدمت در امور اداری، مالی و مالیاتی ایران و مسلط به زبان و فرهنگ ایرانی می‌توانستند ارتباط موثری بین حاکمان مغول و مردم ایران برقرار کنند و ساختار اداری و مالی آسیب دیده ایران را احیا کنند. خاندان جوینی، به ویژه شمس‌الدین محمد جوینی، که از دیرباز در دستگاه‌های اداری خراسان سابقه خدمت داشتند، از جمله شخصیت‌های کلیدی بودند که در این دوران حساس، با تدبیر و تجربه خود مسئولیت‌های خطیری را در ساماندهی امور مالی و اقتصادی بر عهده گرفتند. این پژوهش بر آن است تا با تمرکز بر اقدامات شمس‌الدین محمد جوینی، نقش او را در بازسازی و استقرار نظام مالی و اقتصادی ایران در دوران ایلخانی مورد تحلیل قرار دهد.

پیشینه پژوهش

در زمینه نقش و جایگاه شمس الدین جوینی در ساختار حکومت مغول، پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ با این حال، بخش قابل توجهی از این آثار بیشتر بر نقش سیاسی و اداری وی در این دوره یا بررسی کلی فعالیت‌های خاندان جوینی تمرکز داشته‌اند و ابعاد اقتصادی اقدامات او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله آثار مهم در این حوزه، کتاب *دین و دولت در ایران عهد مغول* تألیف شیرین بیانی است که در آن ابعاد مختلف حکومت ایلخانی، از هجوم مغولان و شکل‌گیری این حکومت تا ساختار سیاسی، اجتماعی و سیاست خارجی آن بررسی شده است و در خلال این مباحث به برخی اقدامات خاندان جوینی، از جمله ضرب سکه، خرید املاک اینجو و برخی فعالیت‌های عمرانی نیز اشاره شده است؛ با این حال، این اقدامات به صورت گذرا مطرح شده و پیامدهای اقتصادی آن‌ها به طور مستقل تحلیل نشده است. همچنین در کتاب *طلایه‌داران عصر مغول* نوشته ناهید محمدیون شبستری، با تمرکز بر تاریخ و جایگاه خاندان جوینی، به نسب این خاندان، نقش آنان در دیوان‌سالاری ایلخانی و برخی فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی آنان اشاره شده است، اما اقدامات اقتصادی شمس‌الدین جوینی در این اثر نیز به صورت موضوعی و تحلیلی بررسی نشده است. علاوه بر این، مقالاتی همچون «اقدامات خاندان جوینی در زمان مغول» (شعبانی و امیری)، «نگاهی به وضعیت خاندان جوینی» (صدرزاده)، «اقدامات عمرانی و فرهنگی خاندان جوینی در بغداد» (کریمیان و افضل) و «خاندان جوینی در دستگاه ایلخانان» (اصفهانیان) بیشتر به جایگاه سیاسی، فرهنگی و عملکرد کلی این خاندان پرداخته‌اند. بررسی این آثار نشان می‌دهد که با وجود توجه پژوهشگران به جایگاه خاندان جوینی در ساختار حکومت ایلخانی، اقدامات اقتصادی شمس‌الدین محمد جوینی و نقش او در سامان‌دهی امور مالی، تجاری و کشاورزی دوره ایلخانی کمتر به صورت مستقل و تحلیلی بررسی شده است و همچنان جای پژوهشی تحلیلی درباره تأثیر اقدامات مالی او بر سیاست‌های مالیاتی، و بازسازی اقتصادی ایران ایلخانی خالی است؛ و تحقیق حاضر می‌تواند این خلأ پژوهشی را تا حدی بر طرف کند.

۱-زمینه تاریخی (ایران در دوران ایلخانی)

پیش از یورش مغول، ایران سرزمینی آباد با اقتصادی شکوفا بود. به‌ویژه مناطق شرقی کشور، از جمله شهرهایی چون بلخ به سبب ثروت فراوان و نقش کلیدی در تأمین غله خراسان و خوارزم شهرت داشتند. در طبرستان نیز تمامی اراضی زیر کشت بود و فضای خالی از محصول مشاهده نمی‌شد.

با این حال، حمله مغول این آبادانی را به‌طور گسترده‌ای ویران ساخت. شهرهای مهمی همچون بخارا، نیشابور، مرو، ری و همدان تخریب شدند. برای نمونه، شهر مرو که در روزگار سلطان سنجر پایتخت و مرکز خراسان به‌شمار می‌رفت و مردمان توانگر آن زبازد بودند، چنان مورد غارت و کشتار قرار گرفت که شهر از اجساد کشته‌شدگان انباشته شد (جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۲).

رعب و وحشت ناشی از قتل‌عام‌ها موجب مهاجرت گسترده جمعیت از مناطق شرقی ایران شد؛ به‌گونه‌ای که برخی برای دستیابی به امنیت، به سرزمین‌هایی دوردست پناه بردند. این مهاجرت‌ها به بایر شدن روستاها، شهرها و اراضی کشاورزی انجامید و در فاصله سال‌های ۶۱۷ تا ۶۵۶ هجری قمری، جمعیت ایران به‌طور چشمگیری کاهش یافت؛ به‌ویژه نواحی شمالی و شرقی بیشترین آسیب را متحمل شدند.

در این دوره، فشارهای مالی و اقتصادی بر روستاییان و پیشه‌وران تشدید شد. تداوم این روند در بلندمدت به افزایش جمعیت عشایری و رواج کوچ‌نشینی انجامید؛ به‌گونه‌ای که گروهی از مردمان یکجانشین، برای گریز از فشارها و ناامنی‌ها، به زندگی کوچ‌نشینی روی آوردند. مغولان همچنین صنعتگران و صاحبان حرفه را به سرزمین‌های شرقی خود منتقل می‌کردند، زنان و کودکان را به اسارت می‌بردند و بسیاری از مردان را به قتل می‌رساندند (همدانی، ۱۳۹۴: ۴۶۱). پیامد فوری این اقدامات، فروپاشی نیروهای مولد شهری و روستایی بود. در چنین شرایطی، اولویت اصلی مردم حفظ جان خود و خانواده‌شان بود و توجهی به بازسازی زیرساخت‌هایی نظیر سدها یا احیای اراضی کشاورزی معطوف نمی‌شد.

کاهش و جابه‌جایی جمعیت، به‌طور مستقیم موجب کاهش نیروی کار و تشدید نابسامانی‌های اقتصادی شد. هم‌زمان با تخریب اراضی کشاورزی، میزان اقطاعات (واگذاری زمین) و نفوذ سران نظامی مغول افزایش یافت. در حالی که اقتصاد ایران نیازمند ابزارهای ترمیمی و سیاست‌های بازسازی بود، یورش مغول موجب گسست در روند رو به رشد اقتصادی آن عصر شد.

افزون بر این، هجوم مغولان پیامدهای عمیق و ماندگاری بر ساختارهای اداری و مالی کشور برجای گذاشت که تا دهه‌ها پس از پایان فتوحات اولیه استمرار یافت. نابودی دفاتر مالی، بایگانی‌ها و شبکه کاتبان در جریان ویرانی‌ها، فرآیند اخذ خراج و مالیات را با اختلال جدی مواجه ساخت؛ به‌گونه‌ای که گاه مالیات‌ها به‌صورت نقدی دریافت نمی‌شد یا ثبت منظم آن‌ها در دفاتر امکان‌پذیر نبود. بسیاری از مستوفیان، قاضیان و دبیران کشته یا پراکنده شدند و این امر به کمبود شدید نیروی انسانی متخصص در اداره امور انجامید.

در این دوره، مردم با تعدد و تداخل نظام‌های مالیاتی مواجه بودند. افزون بر خراج سنتی، فرمان‌های موردی خان‌ها و امرا (باساق‌ها) به‌عنوان دستورهای فوق‌العاده برای تأمین هزینه‌های جنگ، لشکرکشی، سفر یا دربار صادر می‌شد. هرچند این فرمان‌ها ماهیت دائمی نداشت، اما همواره امکان وضع مالیات‌های فوق‌العاده جدید وجود داشت. در نتیجه، مردم ناگزیر بودند هم خراج پیشین و هم مالیات‌های مغولی و عوارض فوق‌العاده را پرداخت کنند؛ وضعیتی که به چندلایه شدن و تورم مالیاتی انجامید. این تداخل، زمینه سوءاستفاده مأموران محلی را فراهم می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که دریافت وجوه اضافی تحت عناوین مختلف، بدون ثبت و ضبط دقیق، رواج داشت.

هر امیر یا سردار مغول، منطقه تحت سلطه خود را قلمرو بهره‌برداری (تیول) تلقی کرده و به‌دلخواه مالیات اخذ می‌کرد. این وضعیت به تشدید فساد و سوءاستفاده انجامید. در مواردی نیز امیران برای افزایش دارایی شخصی، اموال ثروتمندان را با طرح اتهاماتی همچون خیانت مصادره می‌کردند. ناکارآمدی این نظام مالیاتی و ناتوانی مردم در پرداخت انواع مالیات‌ها، در نهایت به کاهش درآمد حکومت منجر شد. در عین حال،

ضرورت حفظ قلمرو گسترده و تأمین هزینه‌های سنگین نظامی و اداری، اداره کشور را با چالشی جدی روبه‌رو ساخته بود.

در سال‌های آغازین ورود مغولان، نظام اقتصادی آنان بر پایه اقتصاد خانوادگی استوار بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۱۵۷). این نظام با ساختار اداری سنتی ایران تفاوت‌های بنیادین داشت و انطباق آن با شرایط ایران فرآیندی تدریجی و همراه با مقاومت بود. ناآشنایی دیوانیان ایرانی با زبان مغولی و عدم تسلط مغولان به فارسی و عربی، موجب شکل‌گیری گروهی از مترجمان و واسطه‌ها شد که در تنظیم دفاتر مالی نقش مؤثری ایفا می‌کردند و گاه در قبال دریافت رشوه، در ارقام مالی دخل و تصرف می‌نمودند.

در چنین شرایطی، دیوان‌سالاران ایرانی کوشیدند ایلخانان را با قوانین، ساختار اداری و مناسبات اقتصادی ایران آشنا سازند. از سوی دیگر، ایلخانان نیز که برای تداوم فتوحات خود به منابع مالی نیاز داشتند، به تدریج با آنان همکاری کردند و به سامان‌دهی امور اقتصادی پرداختند. در این میان، نقش شمس‌الدین محمد جوینی در مقابله با فساد مالی و بی‌نظمی‌های مالیاتی در دوره آغازین ایلخانان، از نقاط عطف تاریخ دیوان‌سالاری ایران پس از یورش مغول به‌شمار می‌آید؛ زیرا اصلاحات وی نخستین تلاش سازمان‌یافته برای بازسازی ساختار سیاسی و مالی کشور پس از آن ویرانی گسترده بود. شمس‌الدین، مشهور به صاحب‌دیوان، از خاندان نامدار جوینی برخاست؛ خاندانی که از بزرگان و ثروتمندان جوین، ناحیه‌ای میان خراسان و قهستان، به‌شمار می‌رفتند. این منطقه با برخورداری از قنوات متعدد، از نواحی آباد و پررونق محسوب می‌شد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۵۲). پدر او، بهاء‌الدین محمد جوینی، نیز از مقامات بلندپایه دوره مغول بود. شمس‌الدین با اتکا به تجربه اداری و سیاسی خاندان خویش، درصدد اصلاح ساختار اداری و مالی ایران برآمد و در این مسیر از همکاری برادرش، عطاملک جوینی، نیز بهره گرفت.

اگر تأسیس حکومت ایلخانی را سال ۶۵۶ هجری قمری بدانیم، حدود سی سال از سی‌وهشت سال نخست این دولت، در دوره حکومت هلاکو، اباقا، احمد و ارغون، از ثبات و امنیت نسبی لازم برای رونق اقتصادی برخوردار بود (رضوی، ۱۳۹۸: ۴۰۹). این امر نشان‌دهنده درایت شمس‌الدین جوینی در مقام وزارت و توانایی او در همکاری با

فرمانروایان مغول است. حتی در دوره حکومت امیران مغولی بر ایران، از جمله در زمان ارغون، برخی اصلاحات مالی و فعالیت‌های عمرانی با بهره‌گیری از تجربه و تدبیر خاندان جوینی، به‌ویژه بهاء‌الدین جوینی، صورت گرفت.

با تشکیل حکومت ایلخانی و سامان‌یافتن نسبی امور مالی، تنظیم و نظام‌مند کردن مالیات و خراج، تأمین هزینه‌های نظامی و نگهداری سپاه، و نیز سامان‌دهی بازار، پول و تجارت، از جمله مهم‌ترین اقدامات اقتصادی شمس‌الدین صاحب‌دیوان در مقام وزارت به شمار می‌آمد. این اقدامات در مجموع گامی اساسی در جهت احیای ساختار مالی و اقتصادی ایران پس از دوره‌ای طولانی از آشفتگی و ویرانی به‌شمار می‌رفت.

۲- اصلاحات اقتصادی و مالی شمس‌الدین محمد جوینی

با استقرار حکومت ایلخانان بر پهنه ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی حاکمان جدید، بازسازی نهادهای اداری و اقتصادی بود که در جریان جنگ‌ها و فتوحات مغول دچار فروپاشی شده بودند. فقدان نظام مالیاتی منسجم، ویرانی گسترده اراضی کشاورزی و مهاجرت گسترده دهقانان، پایه‌های اقتصادی دولت نوپای ایلخانی را متزلزل ساخته بود. در چنین شرایطی، شمس‌الدین محمد جوینی کوشید سنت‌های دیرینه دیوان‌سالاری ایران را با نیازها و الزامات ساختار حکومتی مغولان پیوند دهد. او در مقام وزارت، افزون بر مسئولیت سامان‌دهی و وصول درآمدهای دولت، در جهت احیای زیرساخت‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش کشاورزی، و ایجاد ثبات مالی در سراسر قلمرو ایلخانی تلاش‌هایی انجام داد.

این فصل به بررسی سازوکارها، اهداف و پیامدهای اصلاحات مالی و اقتصادی شمس‌الدین جوینی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این اقدامات به ایجاد بنیان‌های لازم برای تثبیت حکومت ایلخانان یاری رساند. در این راستا، وی با سامان‌دهی دوباره دفترخانه‌ها، مستوفیان و حسابداران محلی، نظام ثبت درآمدها و جمع‌آوری مالیات را در چارچوب دیوان متمرکز ساخت. هدف اصلی این اقدامات، جلوگیری از ظلم و تعدی مأموران مالیاتی، کاهش فساد اداری و مهار خوددستی

کارگزاران محلی بود. از این‌رو، مقابله با فساد و اختلاس در دستگاه مالیاتی نیز به یکی از محورهای اصلی سیاست‌های او تبدیل شد. با توجه به جایگاه اساسی کشاورزی در اقتصاد ایران، جویی توجه ویژه‌ای هم به احیای اراضی بایر و بهبود نظام‌های آبیاری معطوف داشت. افزون بر این، وی با تلاش برای ایجاد نظم در نظام پولی، نظارت بر ضرب سکه و تأمین امنیت راه‌های ارتباطی، زمینه تسهیل مبادلات تجاری و رونق دادوستد در قلمرو ایلخانی را فراهم ساخت.

۲-۱ ساماندهی نظام مالی

شمس‌الدین صاحب‌دیوان با اجرای اصلاحاتی بنیادی در حوزه امور مالی، گام‌های مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی قلمرو ایلخانی برداشت. وی با به‌کارگیری نخبگان و عناصر بوروکراتیک ایرانی در دستگاه‌های دیوانی، در پی آن بود تا ساختار اداری و نظام حکومتی را بر پایه سنت‌های دیوانی ایران احیا کند. این رویکرد که می‌توان آن را «بازگشت به سنت‌های اداری سلجوقی-خوارزمی» نامید، نه تنها به تقویت نقش دیوانیان ایرانی انجامید، بلکه با تحدید نفوذ اشرافیت نظامی مغول در امور مالی، زمینه را برای بازسازی ویرانی‌های ناشی از فتوحات، بر پایه معیارهای سنجیده اداری فراهم ساخت (کیانی‌مهر، ۱۳۹۹: ۲۳۹).

گسترده‌گی دارایی‌های شمس‌الدین، از املاک وسیع تا درآمدهای کلان دوره‌های هلاکو، اباقا و گیخاتو (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۵۳۳؛ میرخواند، ۱۳۷۳: ۹۰۷)، فراتر از ثروت شخصی، نشان‌دهنده جایگاه دیوان سالاری به عنوان یک اهرم قدرت در دولت ایلخانی است؛ به‌گونه‌ای که انباشت ثروت توسط وزیر، بازتابی از تمرکز درآمدهای دولتی در ساختار دیوان مرکزی بود. با این حال، همین ثروت عظیم، حسادت رقابلی چون مجدالملک را برانگیخت و به سعایت نزد اباقا انجامید. در پاسخ، اباقا فرمانی صادر کرد تا شمس‌الدین حساب و خراج ممالک را روشن سازد؛ صدور این فرمان، اگرچه در ظاهر واکنشی به سعایت‌ها بود، اما در باطن فرصتی برای صاحب‌دیوان فراهم آورد تا با پوشش

«دستور سلطان»، مشروعیت نظارت متمرکز بر ولایات را تقویت کرده و ساختار حسابرسی را نهادینه کند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۷۹).

انتصاب دفتردار در دیوان ایلخانی، پاسخی مستقیم به نابسامانی‌های ساختاری در نظام ثبت و ضبط مالی بود؛ چراکه در دوره هلاکو، فقدان یک دیوان دفترداری منسجم موجب شده بود تا خراج و عواید ولایات، غالباً به صورت غیرمتمرکز و از طریق صدور بروات بدون پشتوانه محاسباتی دقیق - در وجه شاهزادگان و خوانین هزینه شود. با وجود این، از آنجا که حجم عواید فراتر از مصارف بود، خواجه شمس‌الدین پس از سه سال دریافت که فقدان ثبت دقیق این هزینه‌ها در دفاتر دیوانی، می‌تواند دستاویزی برای سعایت بدخواهان نزد سلطان باشد. از این‌رو، برای پیشگیری از چنین اتهاماتی، وی با خواجه جمال‌الدین منشی که از مهارتی ویژه در امور مالی برخوردار بود، به مشورت پرداخت. (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۲۶۹) (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۲۵).

در پی این هم‌فکری، مقرر شد تمامی بروات صادرشده طی سه سال گذشته، به دیوان بزرگ فراخوانده شود. شمس‌الدین با سپردن این اسناد به جمال‌الدین منشی، فرآیند ثبت منظم آن‌ها را آغاز کرد. بدین ترتیب، محاسبات بروات با تفکیک دقیق تاریخی، جغرافیایی و ناحیه‌ای، در دفاتر جداگانه‌ای تدوین و برای بررسی نهایی به صاحب‌دیوان عرضه شد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۲۷). این اقدام حساب‌محور، در واقع نخستین گام سیستماتیک برای تبدیل «بروات پراکنده» به «سند دیوانی قابل حسابرسی» بود که اقتدار مالی وزیر را در برابر گزارش‌های احتمالی سوءاستفاده، بیمه می‌کرد.

خواجه شمس‌الدین پس از تدوین دفاتر مالی، آن‌ها را به حضور سلطان عرضه کرد و با تعیین مقرری سالانه پنجاه تومان برای پادشاه، شاهزادگان و امرا، رضایت خاطر دربار را جلب نمود. با فزونی درآمدها در سال‌های بعد، وی مقرری‌ها را به صد تومان و در نهایت به ارقام چندصد تومانی افزایش داد و مازاد عواید را در «خزانه منظم سلطنتی» که تا پیش از آن فاقد تشکیلات بود، ضبط کرد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۲۸) تأسیس خزانه‌ی منظم، نقطه‌ی عطفی در تاریخ مالی ایلخانان است؛ زیرا «خزانه» را از سطح انبار اموال شخصی خان، به یک نهاد مالی مسئول برای مدیریت درآمد-هزینه ارتقا داد. در همین راستا، برای حفظ این دفاتر، سید صدرالدین حمزه، که به امانت و دیانت شهره بود، به

منصب دفترداری منصوب شد (همان: ۱۲۹). همچنین، شمس‌الدین در راستای سیاست‌های حمایتی از نهادهای اجتماعی، سالانه هزار دینار برای خانقاه همام تبریزی مقرر داشت (لین، ۱۳۸۹: ۳۵۲) و به فرمان سلطان فرزندان خود، شرف‌الدین و بهاء‌الدین را برای نظارت بر تحصیل وجوهات بروات، به ولایات اعزام کرد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۷۶).

با این حال، ابهام در نظام حوالجات، گاه موجب بروز اختلال می‌شد؛ چنان‌که در دوره آباقا، تجارت اسلحه به شیوه مرابحه و صدور بروات بی‌ضابطه، خزانه را با بحران مواجه ساخت. ورود سودجویان و دریافت برات در ازای رشوه‌های کلان - بدون تحویل کالا به قورخانه - شمار اسناد مالی را به حدی رساند که دیوان از پرداخت آن‌ها ناتوان ماند. سرانجام، صاحب‌دیوان با رویکردی مبتنی بر مذاکره و مصالحه (پرداخت جزئی یا به صورت کالا)، این بحران مالی را مدیریت کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۳: ۱۶۴-۱۶۵). استفاده از مصالحه به جای فشار نظامی در برابر گروه‌های صاحب‌نفوذ اقتصادی، نشانگر اولویت «ثبات مالی» بر «تصفیه‌های قهری» در سیاست‌ورزی شمس‌الدین است.

اقدامات نظارتی وی فراتر از مرکز بود؛ در سفر به آسیای صغیر برای سرکوب شورش جمری، او ضمن اعاده‌ی نظم، به بررسی دفاتر دیوانی و مالی پرداخت و با کشف بقایای مالی عظیم، عواید راس‌المال را ضبط کرد (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۳۲۹-۳۳۱). این رویداد به خوبی نمایانگر الگوی «بازرسی فراگیر» است؛ به طوری که وزیر با حضور میدانی در ولایات، عملاً ساختار دیوانی مرکز را بر عمل محلی تحمیل می‌کرد.

صاحب‌دیوان در راستای سیاست‌های کلان خود برای مقابله با فساد کارگزاران، برنامه‌ای منسجم را در سراسر قلمرو ایلخانی به اجرا درآورد. وی در عراق با اخذ استشهاد و دستخط‌های رسمی از اعیان، پرده از کتمان دارایی‌های عمادالدین قزوینی برداشت و اقدامات سخت‌گیرانه‌ای را برای استیفای حقوق دیوانی علیه وی اعمال نمود (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۰۷). همچنین در سال ۶۷۰ ق، با اعزام شمس‌الدین حسین علکانی به دیوان اشراف شیراز، ممیزی دفاتر مالی و استخراج «توفیرات» را در دستور کار قرار داد (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۱۳). بررسی این اقدامات نشان می‌دهد که هدف اصلی، بازگرداندن اقتدار به ساختار دیوان مرکزی بود؛ به گونه‌ای که برخورد با متخلفانی چون عمادالدین قزوینی،

به عنوان یک «درس‌گفتار مالی»، پیامی بازدارنده برای سایر عمال حکومتی در جهت پایان دادن به پنهان‌کاری‌های مالی بود.

۱-۱-۲ یکسان‌سازی نظام مالیاتی

مالیات همواره در تاریخ ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی حکومت‌های ایران مورد توجه بوده و حکومت‌های ترک حاکم بر ایران پیش از حمله مغول، ساختار اقتصادی خود را بر پایه نظام مالیاتی ایرانی - اسلامی سامان داده بودند (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۲۳). با هجوم مغولان، این نظم دچار آشفتگی شد و انواع گوناگونی از مالیات‌ها رواج یافت. در این دوره، افزون بر خراج و مالیات‌های رسمی، بیش از چهار نوع مالیات و عوارض مختلف از مردم اخذ می‌شد. بذل و بخشش‌های افراطی فرمانروایان و امرای مغول نیز موجب تهی‌شدن خزانه و در نتیجه وضع مالیات‌های تازه و افزایش فشار اقتصادی بر مردم می‌شد. شیوه اخذ مالیات چنان بود که با تعیین بالاترین میزان ممکن، بیشترین فشار بر مردمی وارد می‌شد که توان پرداخت آن را نداشتند. افزون بر این، شیوه‌هایی همچون مقاطعه‌گذاری و تحمیل برات‌های سنگین، فشار معیشتی را بر لایه‌های فرودست جامعه به حداکثر رسانده بود (پطروشفسکی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۵).

بخشش‌های بی‌رویه فرمانروایان (همدانی، ۱۳۹۴: ۵۷۲؛ جوینی، ۱۳۹۱: ۲۹۱) و خروج مداوم مالیات‌های گردآوری شده از ایران به سوی دربار خان مغول، موجب محدودیت منابع مالی ایران و مانع از بازسازی ساختارهای زیربنایی شهرها می‌شد.

با انتصاب شمس‌الدین جوینی به وزارت، او کوشید با توجه به نقش محوری وزیر در مدیریت عواید مالیاتی (مورگان، ۱۳۷۳: ۹۱)، نظام مالی ولایات را سامان دهد و میزان مالیات را متناسب با توان اقتصادی رعیت تعیین کند. وی اداره خزانه و دیوان‌ها را به مأموران مالیاتی امین و حکومت ایالات را نیز به افراد کاردان واگذار کرد. (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۷۶/۲). با این حال، رویکرد شمس‌الدین تناقضی را نشان می‌دهد؛ چرا که او علی‌رغم تلاش برای سامان‌دهی اقتصادی، مجبور بود برای تأمین هزینه‌های نظامی لشکرکشی اباق‌خان، بر سرعت وصول مالیات‌ها بیفزاید.

این روند در سال ۶۷۶ هجری قمری و در جریان سفر صاحب‌دیوان به آسیای صغیر نمود بیشتری یافت. وی در کنار اقدامات عمرانی برای آبادانی مناطق آسیب‌دیده، مالیات «تمغا» را که پیش‌تر در آن سرزمین مرسوم نبود، وضع کرد (همدانی، ۱۳۹۴: ۹۷۷). اتخاذ این تصمیم، بیانگر تلاش جویینی برای بهره‌گیری از روش‌های نوین مالیاتی جهت افزایش درآمدی پایدار برای حکومت ایلخانی بود. اگرچه پیش از آن، تجار و پیشه‌وران آن نواحی از چنین مالیاتی معاف بودند، اما این گروه نیز تحت مدیریت حساب شده صاحب‌دیوان، مشمول پرداخت تمغا شدند. (مورگان، ۱۳۷۳: ۹۲).

نرخ تمغا در آغاز یک‌دویست و چهل‌ام مبلغ معامله بود که سپس به یک‌صد و بیست‌ام افزایش یافت؛ این نرخ در عمل حدود ده درصد ارزش کالا را در بر می‌گرفت که رقم قابل توجهی محسوب می‌شد (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۱۵۸). گستره این مالیات حتی شامل عوارض آسیاب‌ها و بازارها نیز می‌شد (همان: ۱۵۹). با توجه به اینکه نظام مالیاتی تمغا در مقایسه با «قوبچور» از شفافیت و ساختار دقیق‌تری برخوردار بود، می‌توان سیاست شمس‌الدین جویینی را نوعی راهبرد برای جایگزینی تدریجی تمغا به جای قوبچور و در نتیجه، تلاشی برای کاهش فشار مستقیم بر دامداران و دلجویی از مردم آناتولی ارزیابی کرد (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۲۷). در این میان، بازتاب فشار مالیاتی در ادبیات عصر ایلخانی جای تأمل دارد. قصیده «مغولیه» سروده پوربها در مدح عطا ملک جویینی که توسط و.ف. مینورسکی باز نشر شده، به خوبی سختی عوارض قوبچور را به تصویر می‌کشد (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۶۹۹). به نفس خویش ز سوز دعای مظلومان کند به حضرت حق آه و فغان قبچور (لین، ۱۳۸۹: ۳۴۶).

و در جای دیگر با لحنی انتقادی می‌سراید:
چنان شد دست ممالک به عهد تو که ز گرگ به حکم میش ستاند سگ شبان قبچور

وجود چنین اشعار صریحی نشان‌دهنده آن است که خاندان جویینی علی‌رغم جایگاه بلندشان، ظرفیت نسبتاً بالایی برای شنیدن صدای انتقادی جامعه داشتند (لین، ۱۳۸۹: ۲۹۴).

قوبچور که در اصل عوارضی یک‌درصدی بر گله‌ها بود، گاه با تکرار تا سی‌بار در سال، کشاورزان را به ترک زمین‌هایشان وامی‌داشت (مورگان، ۱۳۷۳: ۹۲). این مالیات در واقع

نوعی عوارض سرانه فراگیر بود که تمامی طبقات بجز گروهی خاص (روحانیان، مستمندان، ترخانان، سالخوردگان و کودکان) را شامل می شد و در زمان نیازهای نظامی، نرخ آن افزایش می یافت. (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۷۰۰).

دریافت نقدی تمغا، علاوه بر تأمین نقدینگی پایدار برای حکومت، راه را بر فساد مالی مرسوم در سایر شیوه‌های مالیات‌ستانی می بست (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۲۷). از این رو، اقدام شمس‌الدین جوینی را می توان منظومه‌ای از تدابیر اصلاحی شامل دلجویی از رعایا، کاهش مفاصد دیوانی و تقویت بنیه نقدی دولت دانست؛ چنان که در منطقه تستر نیز عواید دیوانی به همین روش جمع‌آوری می شد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۳۱).

صاحب‌دیوان برای تحقق این نظم، مأموران امینی چون شمس‌الدین علکانی را در مناطقی مانند فارس گمارد تا از مداخلات غیرقانونی و رشوه جلوگیری کند (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۱۳). با این حال، اجرای این سیاست‌ها همواره با چالش مواجه بود. برای نمونه، در سال ۶۷۶ هجری و پس از واگذاری حکومت ملاطیه به عزالدین ایبک شامی، وی با نقض تعهدات، به جای جمع‌آوری قانونمند مالیات، به اخذی از مردم روی آورد و گریخت. این حادثه، نمایانگر دشواری‌های ساختاری شمس‌الدین در کنترل کارگزاران محلی و لزوم مداخله‌ی مستقیم او برای برقراری نظم در مناطق دور دست بود، چنان که سرانجام خود شخصاً به تعقیب وی در کوه البرز و لگزستان پرداخت. (همدانی، ۱۳۹۴: ۹۷۸).

در نهایت، با وجود تمامی اقدامات اصلاحی صاحب‌دیوان، انتصاب مجدالملک یزدی به سمت «مشرّف‌الممالک» از سوی اباقاخان، توازنی جدید در قدرت دیوانی ایجاد کرد. این جابه‌جایی سیاسی، بستری را فراهم کرد تا رقبای جوینی با تضعیف جایگاه او در نزد ایلخان، دستاوردهای مالیاتی‌اش را کم‌اهمیت جلوه داده و روند اصلاحات او را با اخلال مواجه سازند (آیتی، ۱۳۴۶: ۵۶).

۲-۱-۲ ضرب سکه

در آغاز ورود مغولان، به دلیل فقدان حکومتی منسجم در ایران، امکان ضرب سکه مستقل برای آنان فراهم نبود؛ از این رو، نظام پولی همچنان بر پایه ی سکه‌های دوره

خوارزمشاهیان استوار ماند. از آنجا که در سنت سیاسی ایران، ضرب سکه و خواندن خطبه، نماد استقلال و اقتدار حاکمیت محسوب می شد، ایلخانان نیز به تدریج به این رسم روی آوردند. با این وجود، به دلیل عدم هماهنگی دیوانی، سکه‌هایی با وزن و عیار ناهمگون در قلمرو ایلخانان رایج شد. (همدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹۵).

در این دوره، سکه‌های طلا (دینار) عمدتاً کارکرد تشریفاتی در معاملات خارجی را داشت و یا در اعیاد و مراسم رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. سکه‌های نقره «درم» و سکه‌های مسی «فلس» به معاملات روزمره اختصاص یافتند.

دستگاه دیوانی که در پی احیای سنت‌های اداری و اقتصادی پیشین بود، در امر ضرب سکه نیز مداخله ای فعال کرد. نفوذ و تدبیر شمس‌الدین جوینی باعث شد تا از دوره اباقاخان، سکه‌هایی با خط و زبان فارسی و نقش شیر و خورشید و مزین به عبارت «لا اله الا الله» ضرب شود. این سکه‌ها از نظر سبک به سنت‌های رایج در دوره سلجوقیان شباهت داشت و بازگشتی نمادین به سنت‌های پولی اصیل ایرانی بود. (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۶).

در سال ۶۶۶ هجری قمری، علاءالدین صاحب‌دیوان برای تسهیل دادوستدهای خرد، دستور به ضرب فلس‌های مسی داد که در آن هر بیست و چهار فلس، یک درهم و ارزش هر دینار برابر پنج رطل تعیین شد. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۳). به نظر می‌رسد ارزش مادی این سکه‌ها نسبتاً اندک بوده و بیشتر برای معاملات خرد و استفاده اقشار کم‌درآمد جامعه مناسب بوده است. این تدبیر نشان می‌دهد که هدف دیوان، نه تنها یکسان‌سازی، بلکه حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه از طریق تسهیل معاملات خرد بود.

تغییرات مکرر در جنس و ارزش سکه‌ها که در گزارش‌های بعدی دیده می‌شود (مثلاً جایگزینی سکه‌های نقره‌ای «دناکش» در سال ۶۸۲ هجری و بازگشت دوباره به فلس‌های مسی در سال ۶۸۳ هجری)، بازتابی از بی‌ثباتی ساختار اقتصاد ایلخانی و ناتوانی نظام پولی در تطبیق با فشارهای مداوم مالی بود. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۵۸).

در چنین وضعیت متزلزلی، نظارت سخت‌گیرانه صاحب‌دیوان بر امور پولی، اهمیتی حیاتی داشت. او با مراقبت بر فرآیند ضرب سکه و برخورد با متخلفان، سعی در صیانت

از اعتبار پول رایج داشت. برای نمونه در سال ۶۷۸ هجری، صاحب دیوان در مواجهه با متهمان ضرب سکه های تقلبی در بغداد، ضمن بازخواست کارگزاران متخلفی همچون نجم‌الدین حیدر بن‌الایسر، دستور به قطع دست عوامل اصلی ضرب سکه های تقلبی، از جمله ابن اخضر، داد. (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۴۴). این قاطعیت قضایی و دیوانی، نشان دهنده تلاش آگاهانه خاندان جوینی برای برقراری اعتماد عمومی و جلوگیری از فروپاشی نظام دادوستد در بحبوحه شرایط پرآشوب آن دوران بود. در مجموع، با وجود نوسانات پولی اجتناب ناپذیر در عصر ایلخانی، شمس الدین جوینی با تکیه بر جایگاه سیاسی خود، تلاش کرد تا با نظارت دیوانی دقیق، نظم نسبی به جریان پولی در ایران و عراق ببخشند و ثبات مبادلات اقتصادی را تا حد ممکن حفظ کنند.

۲-۲ مالکیت اراضی و کشاورزی:

ایران پیش از یورش مغول کشوری آباد و برخوردار از کشاورزی پررونق بود. برای نمونه، منطقه طبرستان از ری و قومس تا ساحل دریا سرزمینی آباد و پرجمعیت به شمار می‌رفت و روستاهای آن به یکدیگر پیوسته بودند و کشت گسترده گندم و برنج در آن رواج داشت. با این حال، پس از هجوم مغولان، این ولایات نیز همچون دیگر نواحی دچار ویرانی شد. چنانکه در بلخ، مغولان با وجود ابراز اطاعت مردم، آنان را به صحرا بردند و کشتند و باغ های شهر را به آتش کشیدند. (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۳۸). ایران به سبب اتکای کشاورزی خود بر شبکه پیچیده آبیاری شامل قنات ها، چاه ها و جوی ها، از یک نظام زراعی پیشرفته بهره مند بود. هجوم مغولان این شبکه حیاتی را مختل کرد و در پی آن، میزان تولید محصولات زراعی کاهش یافت. (پتروشفسکی، ۱۳۵۷: ۷۲) فشارهای مالیاتی سنگین این روند را تشدید می کرد. (همان: ۷۳)، زیرا کشاورزان ناچار بودند بخش قابل توجهی از محصول خود را به‌عنوان خراج به خزانه حکومت بپردازند. این همزمانی تخریب زیرساخت های آبیاری و افزایش فشارهای مالی، کشاورزی را با بحرانی ساختاری مواجه کرد که آثار آن فراتر از ویرانی های نظامی بود.

پیامدهای اقتصادی یورش مغول تنها به نابودی شهرها محدود نمی شد. فروپاشی کشاورزی و کوچ یا فرار کشاورزان سبب شد بسیاری از اراضی کشت شده رها شود و در نتیجه، کوچ نشینی در پی استقرار مغولان گسترش یابد. در بسیاری مناطق، زمین های زراعی به چراگاه تبدیل شد. (مورگان، ۱۳۷۳: ۱۱۰). سواران مغول که زمین را بیش از هر چیز به منزله چراگاه احشام خود می دیدند، کشاورزان را از مزارع می راندند. (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۲۷) تغذیه اسبها و دامهای سپاهیان مغول نیز بخش بزرگی از مزارع و مراتع را نابود می کرد ولطمه ای جدی به اقتصاد کشور می زد. در اراضی عراق و سواد نیز کشت غلات و فعالیت های زراعی به سبب ویرانی های ناشی از لشکرکشی مغول، کاهش چشمگیری یافت. (لمبتن، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

با این حال، در دوره حکومت ایلخانان و به ویژه با ظهور شمس الدین جوینی، تلاش هایی در جهت احیای کشاورزی آغاز شد. پس از انتصاب او به وزارت در زمان اباقاخان، فرمان حکومت بغداد و نواحی تابع آن به نام علاءالدین عطاملک جوینی صادر شد. وی در بازسازی بغداد که پس از قتل مستعصم ویران شده بود نقش مهمی ایفا کرد. از جمله اقدامات او حفر نهری در اراضی نجف با هزینه ای بالغ بر صد هزار دینار سرخ بود تا آب فرات به کوفه منتقل شود و زمینه احیای کشاورزی فراهم گردید. (آیتی، ۱۳۴۶: ۳۳) کاهش عوارض و مالیات های کشاورزی نیز موجب دلگرمی کشاورزان و رونق دوباره زراعت شد (همان: ۳۸) این سیاست ها بیانگر احیای زیر ساخت اقتصادی و بازگرداندن ثبات به نظام تولید کشاورزی توسط خاندان جوینی بود.

این اقدامات عطاملک جوینی زیر نظر برادرش، صاحب دیوان، موجب شد بغداد و عراق عرب که در اثر حملات مغول آسیب فراوان دیده بود، به سرعت بازسازی شود؛ مردم بار دیگر به کشت و زرع روی آوردند، درآمدهای عراق افزایش یافت و شهرها و روستاها دوباره رونق گرفت (جوینی، مقدمه قزوینی، ۱۳۹۱: ۳۹).

با تثبیت حکومت ایلخانی، نظام مالکیت اراضی دستخوش تغییر شد. زمین ها در قالب هایی همچون یورت، اینجو، اوقاف، املاک دیوانی و املاک خصوصی تقسیم می شد و به نظر می رسد در این دوره شمار املاک خصوصی رو به افزایش گذاشته بود.

(مزارعی، ۱۳۴۸: ۲۴۶) مالکیت مشروط یا واگذاری موقت اراضی به شیوه مالکیت مغولان نیز معمولاً به زیان املاک دولتی تمام می شد. (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۸۴). در این میان، خاندان جوینی با خرید شهرها و روستاهایی به صورت «اینجو» در اختیار سلطان یا شاهزادگان قرار داشت و گماردن کارگزاران کارآمد از سوی خود، نقش مهمی در ساماندهی اداره اراضی و احیای سنت های کشاورزی ایفا کردند. (بیانی، ۱۴۰۰: ۳۹۱) این راهبرد موجب شد بسیاری از مناطق از تصرف مستقیم مغولان خارج شود و ساختار اداری و اقتصادی پیشین در آنها دوباره برقرار گردد؛ همچنین نفوذ سیاسی خاندان جوینی در سراسر ایران تقویت شد.

در نتیجه این تدابیر، بسیاری از روستاها و اراضی رها شده بار دیگر احیاء و به کشتزارهای پرمحصول تبدیل شد؛ آبادانی روستاها افزایش یافت و عواید دیوانی نیز رو به فزونی نهاد. (جوینی، ۱۳۶۱: ۶۲).

۲-۳ تجارت

ایران به واسطه قرار گرفتن در مسیر ارتباطی میان چین و اروپا، همواره گذرگاه اصلی تجارت جهانی بود. یکی از انگیزه های اصلی مغولان از لشکرکشی به ایران، دسترسی به این شبکه تجاری کالاهای شرق نزدیک بود. (مزارعی، ۱۳۴۸: ۲۲۳) اگر چه تشکیل امپراتوری پهناور مغول، با حذف برخی مرزها و موانع محلی، بستری برای تسهیل تجارت فرامرزی فراهم کرد. (همان: ۲۳۲) اما هزینه های انسانی و زیر ساختی این یورش مانند کشتار گسترده مردم، تخریب شهرها، ناامنی راهها، بی ثباتی نظام پولی، به رکود تجاری گسترده انجامید. افزون بر این، رفتار قهری مغولان با شهرهای مقاومت کننده، به ویژه کوچ اجباری صنعتگران و پیشه وران به ترکستان و مغولستان، توان تولیدی و بازرگانی مراکز شهری را به شدت کاهش داد. (اقبال، ۱۳۶۵: ۹۲). این اقدام در تولید کالا و فعالیت های اقتصادی شهرها اختلال ایجاد می کرد و حضور بازرگانان را در مراکز تجاری کاهش می داد.

کاهش جمعیت شهری و روستایی ایران بر اثر قتل‌عام‌ها، اسارت مردم و مهاجرت بازمندگان نیز به خالی از سکنه شدن بسیاری از مناطق انجامید (جوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۸) و عملاً موتور محرک مبادلات تجاری و حرکت کاروان‌ها را از کار انداخت.

با استقرار حکومت ایلخانی، شمس‌الدین جوینی با درک این نکته که تجارت پویا نیازمند زیرساخت‌های انسانی و امنیتی است. اصلاحاتی برای احیای رونق اقتصادی آغاز کرد. او با سیاست بازسازی شهرها و برقراری امنیت بازارها، زمینه را برای بازگشت جمعیت و پویایی تجارت فراهم آورد.

برای نمونه، در سال ۶۷۷ قمری، شمس‌الدین با مداخله در سیاست‌های سرکوبگرانه اباقخان در سیواس، نه تنها بخش‌هایی از شهر را از غارت نجات داد، بلکه با استدلال «عقلانیت سیاسی» مبنی بر پرهیز از مجازات عام برای خطای خاص، مانع از تداوم ویرانی و کشتار شد. (همدانی، ۱۳۹۴: ۹۷۶) حفظ توان زیستی و اقتصادی مراکز تجاری در برابر اقدامات ویرانگر نظامی، راهبرد دیگر او بود.

در نمونه‌ای دیگر، بهاء‌الدین پسر شمس‌الدین، حاکم اصفهان، با برقراری نظارت امنیتی در بازارها چنان ثباتی ایجاد کرد که امنیت فیزیکی کالاها در شبانه روز تضمین شد. (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۱۹) سخت‌گیری او در اداره شهر چنان امنیتی برقرار کرد که دکان‌داران اصفهان شب‌ها دکان‌های خود را نمی‌بستند و اوباش و دزدان مجال رفت‌وآمد در بازارها و کوچه‌های شهر را نمی‌یافتند (میرخواند، ۱۳۷۳: ۹۰۷/۵).

در این دوره، اگر چه بازرگانان وابسته به دربار (ارتاقان) از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند، (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۷۴) اما فعالیتهای سودجویانه برخی از ارتاقان و بهره‌گیری آنان از حمایت‌های درباری، گاه نظم اقتصادی را مختل می‌کرد. از این‌رو شمس‌الدین محمد جوینی با محدودسازی نفوذ این گروه، در پی ایجاد تعادل در نظام تجاری بود. (همدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۲۸) این رویکرد او، نشانگر اولویت نظم دیوانی بر منافع گروهی در جهت پایداری اقتصادی بود.

از نظر اقتصادی، بغداد به عنوان کانون مالی حکومت، باعث شد توجه ویژه‌ای به رونق این شهر معطوف شود؛ به گونه‌ای که گزارشهای سیاحانی چون مارکوپولو، بر رونق تجارت دریایی این منطقه از طریق خلیج فارس در دوره صدارت جوینی تأکید دارد.

(مارکوپولو، ۱۳۶۳؛ ۳۶) این ثبات با مهار قبایل متمرّد و برقراری امنیت راه ها، به توسعه تجارت دریایی و روابط بازرگانی خارجی انجامید. (رضوی، ۱۳۹۸: ۱۹۴) در همین راستا، پیشنهاد شمس الدین جوینی به سلطان احمد برای برقراری مجدد روابط تجاری با سلاطین مصر، نشان دهنده تلاش او برای احیای شبکه بازرگانی فرمانطقه ای بود. (آیتی، ۱۳۴۶: ۷۰)

در نهایت، مدیریت شمس الدین جوینی بر ممالک ایران، از حدود مصر تا سواحل هرمز، مبتنی بر «مالیات متناسب» و «نظم اداری» بود. (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۷۵-۷۷) در ادامه این روند، احیای کارگاه‌های تولیدی و پارچه بافی های شهرهایی نظیر تبریز، بغداد (فردوسی) و شوشتر، تحت نظارت وی (رضوی، ۱۳۹۸؛ ۳۶۹) نشان دهنده تمرکز او بر بازسازی «تولید ملی» بود که هر ساله مقادیر قابل توجهی از این پارچه های زربفت به دربار ایلخان نیز پیشکش می شد. (اقبال، ۱۳۶۵؛ ۵۵۸) همچنین از سرگیری مراسم حج توسط عظاملک جوینی، در امتداد سیاست تجاری برادرش شمس الدین، فراتر از اهمیت دینی موجب احیای دوباره ی مسیرهای تجارتی و زیارتی عراق شد. (بیانی، ۱۴۰۰: ۳۹۹) مجموعه ی این اقدامات نشان می دهد که خاندان جوینی با بهره گیری از ابزارهای دیوان سالاری موفق شدند، در دل ویرانه های برجای مانده از یورش مغول، نوعی «اقتصاد بازسازی» را شکل دهند که پیوند دهنده ی سنت های اداری ایران با ساختار قدرت ایلخانی بود.

نتیجه گیری

یورش مغولان در سده هفتم هجری ضربه‌ای سخت بر ساختارهای اقتصادی، اداری و اجتماعی ایران وارد کرد. قتل‌عام گسترده جمعیت، ویرانی شهرها و روستاها، تخریب شبکه‌های آبیاری، رکود کشاورزی، ناامنی راه‌های ارتباطی و بی‌ثباتی در نظام مالی و پولی، اقتصاد ایران را با بحرانی عمیق مواجه ساخت. در چنین شرایطی، شمس‌الدین محمد جوینی، به عنوان صاحب‌دیوان و یکی از برجسته‌ترین مدیران مالی و اداری عصر ایلخانی، نقشی مهم در سامان‌دهی امور مالی و بازسازی تدریجی نظام اقتصادی ایران ایفا کرد.

اقدامات او در اصلاح نظام مالیاتی، از جمله تعیین مالیات‌ها متناسب با توان اقتصادی رعایا و نظارت بر عملکرد مأموران، به تقویت درآمد حکومت و کاهش فشارهای اقتصادی بر مردم انجامید. سامان‌دهی دفاتر دیوانی، نظارت بر دخل و خرج، و مقابله با فساد، بنیان‌های مالی دولت ایلخانی را تقویت کرد. در حوزه پولی، تلاش برای ایجاد انضباط مالی و جلوگیری از ضرب سکه‌های تقلبی، به حفظ اعتبار پول و تسهیل مبادلات کمک شایانی نمود.

جوینی علاوه بر اصلاحات مالی و اداری، به احیای کشاورزی به عنوان مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران توجه ویژه داشت. کاهش برخی عوارض کشاورزی، تلاش برای احیای شبکه‌های آبیاری و بازگرداندن زمین‌های بایر به چرخه تولید، زمینه رونق نسبی کشاورزی را فراهم ساخت. در عرصه تجارت نیز تأمین امنیت راه‌ها و بازارها، بازسازی مراکز شهری و تجاری و حمایت از فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی، به رونق مبادلات اقتصادی انجامید و گسترش روابط تجاری با مناطق دیگر، جایگاه ایران را در شبکه مبادلات منطقه‌ای تقویت کرد.

مهم‌ترین دستاورد او، ایجاد و تثبیت یک نظام دیوان‌سالاری منسجم بود که با سامان‌دهی دیوان استیفا و ایجاد دفاتر منظم، منابع مالی پایدار برای حکومت فراهم آورد و به تحکیم پایه‌های حاکمیت ایلخانان کمک کرد. با وجود این دستاوردها، اصلاحات جوینی با محدودیت‌هایی روبرو بود؛ مقاومت برخی امیران و دیوانیان در برابر

انضباط مالی و سیاسی، و گستردگی ویرانی‌های مغول، مانع از تحقق کامل اهداف اصلاحی شد. با این حال، شمس‌الدین جوینی را می‌توان از برجسته‌ترین رجال دیوانی عصر ایلخانی دانست که با درایت خود، گام‌های مؤثری در جهت سامان‌دهی اقتصاد و تثبیت ساختارهای اداری ایران در یکی از بحرانی‌ترین ادوار برداشت و زمینه را برای اصلاحات گسترده‌تر در دوره‌های بعد فراهم آورد.

منابع

۱. آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۴۶، (کتاب)، تحریر تاریخ وصاف، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲. ابن بی بی، امیرناصرالدین، ۱۳۵۰، (کتاب)، اخبار سلاجقه روم، به اهتمام محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.
۳. ابن فوطی، کمال الدین عبدالرزاق، ۱۳۸۱، (کتاب)، الحوادث الجامعه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۶۵، (کتاب)، تاریخ مغول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. بیانی، شیرین، ۱۴۰۰، (کتاب)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج. ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. پطروشفسکی، ایلیا، ۱۳۵۷، (کتاب)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات نیل.
۷. پطروشفسکی، کارل یان، اسمیت، لمبتن، ۱۳۹۴، (کتاب)، نظام اجتماعی و اقتصادی ایلخانان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات گستره.
۸. پولو، مارکو، ۱۳۶۳، (کتاب)، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو، تهران: انتشارات گویش.
۹. جوینی، عطاملک، ۱۳۶۱، (کتاب)، تسلیه الاخوان، به تصحیح دکتر عباس ماهیار، تهران: گروه انتشاراتی آباد.
۱۰. جوینی، عطاملک، 1391، (کتاب)، تاریخ جهانگشای، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات نگاه.
۱۱. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، ۱۳۸۰، (کتاب)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام.

۱۲. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، (کتاب)، دستورالوزرا، با تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال.
۱۳. رشیدوو، پی-نن، ۱۳۶۸، (کتاب)، سقوط بغداد، مترجم اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
۱۴. رضوی، ابوالفضل، ۱۳۹۸، (کتاب)، شهر سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. ساندرز، ج.ج، ۱۳۶۱، (کتاب)، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، ۱۳۶۳، (کتاب)، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۳۷۳، (کتاب)، آثارالبلاد و اخبارالعباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، بتصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. طباطبایی، سید جمال، ۱۳۵۱، (کتاب)، رسم الخط ایغوری در سکه شناسی، تبریز: انتشارات شفق.
۱۹. کیانی مهر، ابراهیم، ۱۳۹۹، (پایان نامه)، بررسی نقش تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ایلخانان با تکیه بر تکوین هویت جدید ایرانیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. لمبتن، آن، ۱۳۸۶، (کتاب)، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب آرژند، تهران: نشر نی.
۲۱. لین، جورج، ۱۳۸۹، (کتاب)، ایران در اوایل عهد ایلخانان، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. مزارعی، عدنان، ۱۳۴۸، (کتاب)، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران و ایرانیان از آغاز تا صفویه، تهران: انتشارات دهخدا

۲۳. مستوفی بافقی، محمدمفید، ۱۳۴۰، (کتاب)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر
۲۴. مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۶، (کتاب)، نزهة القلوب، بکوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
۲۵. مورگان، دیوید، ۱۳۷۳، (کتاب)، ایران در قرون وسطی، مترجم عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۶. میرخواند، محمد بن خاوند، ۱۳۷۳، (کتاب)، روضه الصفا، ج. ۵، به تصحیح دکتر عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی.
۲۷. نخجوانی، محمد بن هندوشاه، ۱۹۷۶، (کتاب)، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، تهران: انتشارات دانش.
۲۸. همدانی، رشیدالدین فضل الله، ۱۳۹۴، (کتاب)، جامع التواریخ، به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: میراث مکتوب.